

اهل حال در مخاطبه جناب کبریا در حلال او گفته اند ای پاک زلفش روی بر از عدم  
 در وصف تو بی پیش نه عقل قدم کی کر بسج پند اولان صور باکر بصر نشود اولان نفس  
 از آنکه محلات منسوب بفرقی منزل است از مقام اصلی و تقید و خارج از اطلاق حقیقی و تعلق  
 بر محال الهی و قدس از روی کیفیت دیکت از خصیصت از سبوح یعنی نهد و کز است در  
 تزیین چنانکه در مقام تشریح بحسب ذات میگوید جل جلاله تنزه و یشبهه پس  
 سکنی از تزیین و تشبیه و این اگر توجی است از تزیین و بی سببانه در وی بر تزیین چنانکه  
 فاعل الغناء ابداع است از فاعل و بی شایسته که گویند تزیین تزیین است بحسب مقام جمع فقط  
 و تقدیس مقام جمع و تقدیس اس از روی کیفیت که تزیین است و ایند میگویند تزیین تزیین علیها  
 تزیین یعنی بود و تزیین از روی علیها سلام تزیین عقلی و نفسی و چون این حکم را از روی  
 معنی در مرتبه سبب با حکم مقدم بود شیخ قدس الله سره هر دو را مقارن یکدیگر خفت  
 و چون المانع بتایز اوست قدس سره از سبوحه تا خبر کرد و با وجود آنکه تزیین علیها سلام تزیین  
 از ادب علیها سلام تزیین است و این حکم را تخصیص با ادب علیها سلام از آن جهت است  
 و بد که ادب علیها سلام سببانه و تزیین در نظر نفس خورش بر عارضه شانه در تقدیس از صفات  
 حیوانیه تا روحانیه او بر جوامع غایب نشد و کز آنکه تزیین از بدین و صاحب معراج است  
 و او را مخاطبه با ملائکه و ارواح مجرد دست داد و گویند شازده سال نخورد و سخت تا عقل  
 بود باقی ماند و ملائکه در فیه علیه السلام و هر وقت که مکانا علیا و مکان العلو  
 در هر کجا که نازل شد در ادب علیها سلام در هر کجا که نازل شد در مکان عالی و نور علو  
 علی الصمین استسما رضی الله عنه الیهما بقوله العلی ای العلو المتفام  
 بر دو قسم است زود رضی الله عنه بوی آن هر دو قبول خود که است علوی  
 علیها سلام

بسم الله الرحمن الرحیم

کجاست الخلاق علوان احدهما علم مکان و ما یقضی نسبة العلی المکانی الیه  
 هر چه در خلق را در علم از انجا علم مکانیت در انجا که تفضیلا کبریت ملک کان بوی  
 سببانه و هو مثل قوله تعالی الرحمن علی العرش استوی فان العرش استوی  
 سبحانه آن مثل قول او تعالی است که رحمن بر عرش مستوی آمد پس بر سببیکه عرش  
 فان العرش اعلی الی ما کن وهو مستوی علیه بحسب ظهوره فیه  
 پس بر سببیکه عرش بر زمین کانه است و او تعالی مستوی بر است بحسب ظهور خود در آن  
 و مثل العطاء المذکور فی قوله صلی الله علیه و سلم کان فی عمامه ما  
 و مثل عمامی مذکور در قول اوصی الله علیه و سلم بود در عمامه ما  
 فوفیه هواء و ما تحت هواء فی جواب الاعرابی حین قال این کان  
 فوق آن هوا و ما تحت آن هوات در جواب اعرابی که می گفت که  
 ربنا قبل ان یخلق خلقه و مثل السماء المذکور فی قوله تعالی هو الله  
 رب ما پیش پدید آوردن خلق خود و مثل اسماء المذکور در قول او تعالی انت  
 فی السماء اله و فی الحدیث الوارد بنزوله سبحانه کل لیله الی السماء  
 در سماء الهیست در حدیث که وارد است بنزول او سبحانه در هر شب بوی  
 الدنیا و نازلها علو مکانة ای مرتبة و ما یقضی نسبة علیها  
 تزیین و دیگر از آن در علم مکانیت است ای علوی رتبه در انجا که تفضیلا کبریت ملک کان  
 الیه قوله تعالی کل شیء هالک الا وجهه و قوله الیه یرجع الامر  
 بوی او قوله تعالی است که هر شیء هالک است مگر وجه او و قول او که بوی او رجوع  
 کله و قوله الله مع الله اذ البعاء هلاک الا مشیاء و کونه مع  
 هر دو قول او که با هیچ موجودیت با فدا از که نقابا در وجود کبریا بودن او در هر